

ارزش عدالت

بسط عدالت را می‌توان بالاترین مأموریت دین و به همین تناسب بالاترین ارزش بشری دانست، به‌گونه‌ای که باید گفت تشریح تمامی احکام الهی در همین راستاست: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ... وَأَمْرًا لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»^۱. امام خمینی (ره) به صراحت تمام احکام را نسبت به بسط عدالت مطلوب بالعرض می‌داند.^۲ عدالت با پرداخت حق هرکس و هرچیز، توازن در جامعه را ایجاد، و از این مسیر، امکان تکامل و رشد برای بشر را فراهم می‌کند. از ثمرات بسط عدالت پایداری حاکمیت است، امیرالمؤمنین (ع) در بیانی عمیق نتیجه‌ی ادای حق مردم توسط والی و ادای حق والی توسط مردم را می‌شمارند که از آن جمله است: «طَمَعٌ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَسْتَمَطَّاعُ الْأَعْدَاءُ»^۳ امید به بقای دولت می‌رود و دشمنان از طمع خویش مأیوس گردند.

معضل کشف عدالت

همچنین عدالت را می‌توان گسترده‌ترین مطلوب بشری دانست. بشر در تمام سیر تحول و تطورش به دنبال گمشده‌ای است به نام عدالت. به همین تناسب باید گفت عدالت بیشترین مدعی را دارد؛ هیچ انسانی هیچ‌گاه خود را ظالم معرفی نمی‌کند. فرعون، این ظالم مستبد تاریخ که نماد ظلم و زیاده خواهی است، خود را خیرخواه و مصلحت‌اندیش بشر معرفی می‌کند: «ما أهدیکم إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ»^۴ شما را جز به راه رشد و صواب هدایت نمی‌کنم، و موسی (ع)، این مصلح بزرگ تاریخ را منشأ ظلم و فساد معرفی می‌کند: «إِنِّي أَخَافُ ... أَنْ يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ ... أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ... ما أهدیکم إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ»^۵ می‌ترسم شما را از سرزمینتان آواره سازد یا اینکه در زمین فساد انگیزد. همه ظلم‌های بزرگ بشریت به ادعای عدل و حق و مصلحت صورت گرفته و می‌گیرد، و در این ورطه مظلوم‌تر از خود عدالت نیست. همه جنگ‌ها سرصلح‌اند!

امیرالمؤمنین (ع) در بیانی ژرف درباره عدالت، حق را در مرحله سخن بسیار شیرین و جذاب دانسته‌اند، اما در مرحله عمل و انصاف دادن بسیار مشکل می‌شمارند: «الْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ»^۶. دشواری احقاق حق و اجرای عدالت تنها از آن جهت نیست که به مبارزه با خواسته‌های نفسانی و منافع شخصی و تقابل با قدرت‌های بزرگ نیازمند است، بلکه پیش از این و بیش از این، آنچه جریان عدالت را بسیار پیچیده می‌کند، دشواری شناخت عدالت است. این مفهوم به ظاهر بسیط و ساده در ورطه عمل و در هنگام تشخیص مصادیق، آن چنان پیچیده می‌شود که باید گفت بشر به خودی خود هیچ‌گاه توان دست یازیدن به چنین فهمی را نخواهد داشت.

در تعریف چپستی عدالت، فیلسوفان اجتماعی سخن‌های فراوان گفته‌اند از تعاریف پیچیده تا ساده‌انگارانه‌ترین نگاه به عدالت یعنی مساوات! اما شاید بهترین معرفی عدالت را علی بن ابی طالب (ع) ارائه داده باشند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»^۷ عدل هرچیز را در جایگاه خودش قرار می‌دهد. عدالت این است که هرچیز جایگاه خود را بیابد و در بستر جایگاه راستین خود زمینه تکامل بیابد.

این بیان با تمام عمق و دقتی که دارد، نمی‌تواند انسان را به مصادیق عدالت رهنمون سازد، چه آنکه فهم جایگاه هرچیز، از انسان و خالق انسان و محیط زندگی انسان و طبیعت و حیات وحش، ادعایی است بس بزرگ که هیچ بشری را توانایی چنین ادعایی نیست. شاهد این حقیقت، این است که بشر مدرن مادی خودبسندۀ متکی بر عقلانیت خودبنیاد، هرروزه در تعاملش با جامعه خود و دیگر جوامع و محیط زیست و حیات وحش استانداردهای جدیدی ارائه می‌دهد و استانداردهای پیشین را نقض می‌کند. افزون بر این شکی نیست که بشر در نهایت سعی خود از ظاهر زندگی بشری و محیط پیرامون خود شناخت پیدا می‌کند